

روز چهارم محرم الحرام

اول خلافت عثمان است . بدانکه گاهی که عمر بن الخطاب در جناح سفر آخرت بود، امر خلافت را در میان شش نفر به شوری افکند...



اول خلافت عثمان است . بدانکه گاهی که عمر بن الخطاب در جناح سفر آخرت بود، امر خلافت را در میان شش نفر به شوری افکند و مدت آنرا سه روز قرار داد چنانکه روز بیست و ششم ذیحجه معلوم شد. پس از آنکه عمر در سلخ ماه ذی الحجة درگذشت تا سه روز کار خلافت بجهت شوری تأخیر افتاد و عاقبت بر عثمان قرار گرفت . پس روز چهارم عثمان لباس خلافت برتن پوشید و مورخین ثبت کرده اند که بعد از استقرار امر خلافت بر عثمان بسرای خویش آمد. جماعت بنی امیه ، صغیر و کبیر به شادمانی گرد او فراهم شدند و در خانه را از بیگانگان مسدود داشتند. در این وقت ابوسفیان بانگ برداشت که آیا غیر از بنی امیه کس دیگر در این سرای می باشد؟ گفتند: نه . گفت : ای جماعت بنی امیه از در نشاط و بازی ، این منصب خلافت را مانند گوی در میان خود، دست بدست دهید. قسم بآنکه ابوسفیان را سوگند بارور است که نه عذابی است و نه حسابی و نه بهشتی است و نه جهنمی و نه حشری است و نه قیامتی . عثمان چون این کلمات را شنید، بیمناک شد که اگر این کلمات گوشزد مسلمانان شود، فتنه ای بزرگ پدید آید. فرمان داد تا او را از مجلس بیرون کردند. گویند اول مسامحتی بود از عثمان در اجرای حکم خداوند. چه حکم مرتد قتل است نه اخراج از مجلس . بالجمله ، پس از آن عبدالرحمن بن عوف بر عثمان وارد شد و عثمان را امر کرد بمسجد رود و بر منبر صعود کند. عثمان بمسجد رفت و بر منبر صعود کرد و خواست تا خطبه ای ایراد کند، راه سخن بر او مسدود شد و نتوانست چیزی بگوید. لاجرم گفت : ای مردم همانا ابوبکر و عمر ساخته این مقام می شدند و از آن پیش که بالای منبر شوند خطبه ای پرداخته و از بر می کردند و بر بالای منبر قرائت می کردند و من تدارک این کار نکردم و عاجز ماندم و شما آن را خرده نگیرید چه احتیاج شما بامام عادل 51 افزون است از امام خطیب و زود باشد که خطبه ها برحسب مراد اصغا نمائید. این کلمات بگفت و از منبر فرود آمد و بسرای خویش رفت .

در روایت روضه الاحباب است که عثمان در اول جمعه از خلافت خویش بر منبر رفت . راه سخن بر او بسته شد و نتوانست اداء خطبه کند، لاجرم ترك خطبه کرد و این کلمات بگفت و از منبر فرود آمد:

بسم الله الرحمن الرحيم ایها الناس سیجعل الله بعد عسر یسرا و بعدعی نطقا و انکم الی امام فعال احوج منکم الی امام قوال اقول قولی و استغفر الله لی ولکم .

روز چهارم محرم، عبیدالله بن زیاد مردم کوفه را در مسجد جمع کرد و سخنرانی نمود و ضمن آن مردم را برای شرکت در جنگ با امام حسین علیه السلام تشویق و ترغیب نمود.

به دنبال آن 13 هزار نفر در قالب 4 گروه که عبارت بودند از:

1. شمر بن ذی الجوشن با چهار هزار نفر؛
2. یزید بن رکاب کلبی با دو هزار نفر؛
3. حصین بن نمیر با چهار هزار نفر؛
4. مضایر بن رهینه مازنی با سه هزار نفر؛

به سپاه عمر بن سعد پیوستند. بهم پیوستن نیروهای فوق از این روز تا روز عاشورا بوده است.

منابع :

فیض الاعلام شیخ عباس قمی، بحارالانوار، ج44، ص386

منبع: راسخون